فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیستم، پاییز۱۳۹۶- صفحات ۱۶۸- ۱۵۱

دلایل و راه‌های پیشگیری از فقر در نهج‌البلاغه

علی مهرگان[۱]
سید محمد حسن مصطفوی[۲]

تاریخ دریافت:۹۵/۱۱/۹ تاریخ پذیرش:۹۶/٤/۳۱

چکیده

با وجود این‌که تلاش‌های زیادی برای کاهش فقر در ایران صورت گرفته ولی آمار و ارقام نشان می‌دهد که این مشکل هنوز برطرف نشده است. بدین‌جهت در این مقاله با تاسی به نهج‌البلاغه دلایل و راه‌هایی که می‌توان از فقر پیشگیری کرد مورد مطالعه قرار گرفته است. این تحقیق نشان می‌دهد که در نهج‌البلاغه فقر بیش از هر چیزی به نحوه توزیع درآمد در جامعه بر می‌گردد. و برای پیشگیری از آن، زمامداران را مسئول می‌داند که می‌توانند از طریق کمک به مستمندان، رسیدگی به مناطق دورافتاده (محروم)، استفاده از تخفیف و معافیت‌های مالیاتی، دسترسی فقرا به زمامداران برای بازگو کردن مشکلات و... از شدت فقر بکاهند.

واژگان کلیدی: نهج‌البلاغه؛ فقر؛ امام علی(ع)؛ دلایل فقر؛ پیشگیری فقر
طبقه‌بندی JEL : I3, N3

۱.کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و دانشجوی دکتری اقتصاد 110mehregan@gmail.com
۲. عضو هیات علمی پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس (مسئول مکاتبات) mmostafavi@modares.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مقدمه

یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع و حکومت‌های مختلف بهبود وضعیت معیشت مردم فقیر آن جامعه و ریشه کن کردن فقر در جامعه و در دیدگاهی وسیع‌تر که اخیرا بیشتر مورد توجه انسان دوستان قرار گرفته است ریشه کن کردن فقر در دنیا است. انگیزه ایجادکننده این دغدغه از دلایل بسیاری می‌تواند سرچشمه گرفته باشد، از جمله نوع دوستی ذاتی انسان‌ها، حفظ بقای حکومت و همچنین دلایل مذهبی و باورهای فرامادی.

در افراد مسلمان و در جامعه مسلمان به دلیل باورهای مذهبی و اعتقادات فرامادی، انگیزه دستگیری از فقرا و کمک به از بین بردن فقر در طول ادوار تاریخ در آن‌ها وجود داشته است. در این میان مسلمانان با تاسی به سیره رسول اکرم و همچنین دوران خلافت امیرالمومنین و رسیدگی خاص ایشان به فقرا در دوران زمامداریشان؛ و همچنین روایات مختلف رسیده از ائمه و آیات فراوان تحسین کننده بخشندگان و انفاق‌کنندگان؛ از انگیزه خاصی برای مبارزه با فقر در جامعه خود برخوردار هستند.

۱. ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی، و همچنین بافت جمعیتی ایران؛ این دغدغه در میان جامعه مذهبی ایران به شدت وجود داشته است که به نحوی فقر در ایران ریشه کن شود و نشانگر آن نیز تاسیس نهادهایی هم‌چون جهاد سازندگی، طرح شهید رجایی، حساب شماره ۱۰۰ امام و ایجاد کمیته امداد امام خمینی و اردوهای سازندگی به مناطق محروم که از ابتدای انقلاب تا به الان نیز ادامه دارد و بسیاری از نهادهای دیگر که وظیفه آن‌ها به نوعی مبارزه با فقر بوده است می‌باشد. اما با وجود همه این تلاش‌ها همچنان راه زیادی تا ریشه کن کردن فقر در ایران باقی مانده است، برای پیمودن یک مسیر داشتن یک راهنمای جامع بسیار کارآمد می‌باشد و دلیل افراد تلاشگر در آن راه و انگیزه‌دهنده به آنان است؛ برای یک فرد مسلمان یکی از بزرگترین راه نشان‌های موجود، سنت و سیره معصومین می‌باشد؛ لذا این موضوع اهمیت می‌یابد که سیره آن‌ها در مبارزه با فقر در جامعه بررسی گردد. در این میان حضرت علی (ع) به دلیل زمامداری ایشان بر جامعه اسلامی اهمیت خاصی پیدا می‌کنند.

حضرت علی (ع) آن‌چنان در دوران زمامداری خویش به از بین بردن فقر و رسیدگی به فقرا همت گمارد که در بین غیرمسلمین هم شهرت دارد. همچنین در تاریخ ایشان به لحاظ رسیدگی به یتیمان، که قشر مستضعف جامعه را تشکیل می‌دادند، به عنوان پدر یتیمان کوفه شهرت یافتند. اهمیت رسیدن به فقرا و تلاش در بهبود وضع معیشت آن‌ها در زمامداری حضرت علی (ع) را

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

می‌توان در این سخن حضرت دریافت که: «ما أَصْبَحَ بِالْكُوفَةِ أَحَدٌ الاَّ ناعِماً، اِنَّ أَدْنـاهُمْ مَنْزِلَـةً لَيَأْكُـلُ مِنَ البُرِّ وَ يَجْلِسُ فِي الظِّلِّ وَ يَشْرَبُ مِنْ مـاءِ الفُـراتِ؛ همـه مـردم کوفـه از رفـاه برخـوردار هسـتند. پایین‌ترین آن‌ها (فقیرترین) نان گندم مـی‌خورنـد و سـرپناه مناسـب دارنـد و از آب سـالم (فـرات) می‌نوشند».

مطلب فوق بیانگر اهمیت تامین حداقل معیشت افراد ناتوان جامعه در دیدگاه حکومت اسـلامی است. این دیدگاه حکومت را در برابر فقرا مسئول می‌داند و آن‌ها را به حال خود وا نمی‌گذارد، بلکـه نیازهای اساسی افرادی که توان تامین آن را ندارند برطرف می‌کند.

۲. ادبیات موضوع

در مطالعه شریعتی‌مهر (۱۳۹۱)، از پیامدهای فقر، بـی‌ارزش شـدن انسـان و شخصـیت انسـانی او و مورد استهزا و استثمار قرار گرفتن توسط دیگران بر شمرده است. و همچنین بیان کـرده اسـت کـه فقر مالی منجر به فقر روحی افراد می‌شود.

موسایی (۱۳۸۳)، در پژوهشی، اصول حاکم اقتصادی بر تولید را از نگاه حضرت علی (ع) بررسی کرده است، وی در این مطالعه به نتایجی رسیده است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است: رعایت اعتدال در استفاده از منابع و جلوگیری از اتلاف آن‌هـا از جملـه ویژگـی‌هـای نظـام تولیـدی اسلامی است. همچنین در این نظام بر اهمیت نیروی کار در نظام تکـوین و تشـریع و تاکیـد شـرع بر پرهیز از تنبلی، براستفاده از فرصت‌ها تاکید شده اسـت. همچنـین ظلـم و تعـدی، گنـاه، کفـران نعمت، اسراف و خیانت و سهل‌انگاری از آفات تولید برشمرده شده است.

عسگری و غفورزاده (۱۳۸۸)، در پژوهشی درباره بررسی مفهـوم فقـر از منظـر قـرآن و روایـات ائمه‌اطهار (ع) بیان کرده‌اند که در قرآن‌کریم و روایات متعددی نیز، فقر بـه عنـوان عامـل منفـی در زندگی انسان معرفی شده است که باید به زودی رفع گـردد. همچنـین در ایـن مقالـه بـا توجـه بـه اختلاف ارزشی درباره فقر در تفکر اسلامی، متذکر شده‌اند کـه بررسـی منـابع اسـلامی نشـان داده است، مقتضای جمع و سازش میان اخبار متعارض این است که فقر و ثروت هر یـک بـه نوبـه خـود نعمتی الهی است که بنده وظیفه دارد به مقتضای آن عمل کند و به همین دلیل در بیشتر دعاهـای حضرات معصومین(ع) کفاف خواسته شده که سالم‌تر و کم‌خطرتر از طرفین آن اسـت. همچنـین در این مقاله فقیر و مسکین را مورد بررسی قرار داده است و تفاوت‌هـا و اقـوال مختلـف میـان ایـن دو مفهوم را بررسی کرده و مورد بحث قرار داده است.

پژوهش کدخدایی و همکاران (۱۳۹۲)، نشان داد فقر و پیامدهای ناشی ازآن مانند ازدست دادن عـزت نفـس، پرخاشـگری، ناامیـدی، سسـتی اراده، افسـردگی واضـطراب ازمـوارد تهدیـدکننـدۀ سلامت‌روان اسـت. رفتارهـای نامناسـب اقتصـادی ماننـدحب دنیـا، بخـل، حـرص وسسـتی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

درعمل ازعوامل فقرمحسوب می‌شوند که برای برطرف کردن آن و کاهش فشارروانی راهکارهایی مانند زهد، قناعت، برقراری عدالت، انفاق، پرداخت زکات، اقتصاد و میانه‌روی، پرهیزازاسراف و تبذیر، مدیریت اقتصادی درزندگی، اصلاح نظام بازار، دفاع ازحقوق قشرهای آسیب پذیر ارائه شد ه است.

منتهایی (۱۳۵۸)، در پژوهشی که درباره فقر از دیدگاه امام علی (ع) انجام داده است، متذکر می‌شود که فقر و فلسفه فقر در بینش امام علی (ع) در دو جمله متبلور شده است:

الف) خداوند در دارایی و اموال ثروتمندان [پرداخت] روزی فقرا را واجب کرده است، و فقیری گرسنه نمی‌ماند مگر این‌که بی‌نیازی حق او را خورده باشد.

ب) ثروت انباشته و متراکم ندیدم مگر آن‌که حقی در کنارش پایمال شده است.

وی همچنین بیان می‌دارد که رابطه عمیقی بین ارزش‌های مطرح در جامعه و نظام آن جامعه وجود دارد. و فقر که از جمله عورض جامعه طبقاتی است، رابطه عمیقی با ارزش‌های طبقاتی دارد و امام (ع) برای مبارزه با فقر ابتدا ارزش‌های جامعه را در هم می‌ریزد و به فکر و اخلاق و قلب تکیه می‌کندو در پی آن عملا روابط حاکم بر جامعه را با اقتصادی صحیح بر خط توحیدی می‌آورد.

صادقی تهرانی (۱۳۷۵)، در پژوهشی پیرامون فقر در تفکر اسلامی بیان می‌دارد که در یک نظام اجتماعی و اسلامی سالم، با فقرا از هر دو طریق، [یعنی] تولید و توزیع بهینه، عادلانه برخورد می‌شود.

در بینش پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین علی (ع) نظام اقتصادی جامعه باید چنان سازماندهی شود که تولید و توزیع بهینه و عادلانه را مقدور سازد، تا فقر همراه با توسعه اقتصادی ریشه کن شود.

در چنین شرایطی است که توجه فوق‌العاده قوی و انسانی اسلام به دستگیری از مستمندان و ایتام و محرومین بر سرعت حل مشکل می‌افزاید و جامعه را از عطوفت و رافت نیز سرشار می‌سازد.

۳. لغت‌شناسی فقر در ادبیات نظری

درباره فقر و کلمات هم‌ریشه آن در نهج‌البلاغه، موارد بسیار است که با توجه به محدودیت ظرفیت مقاله، در این مطالعه، به واژه‌های «فقر»، «فقرا» و «فقیران» در این کتاب سترگ پرداخته‌ایم.

در لغت، فقیر، به معنی مسکین و بی‌چیز و غنی، مأخوذ از تازی و به معنی توانگر و مالدار آمده است در نهج‌البلاغه از انواع مختلف و معانی گوناگون فقر سخن به میان رفته است که می‌توان به فقر اقتصادی، فقر مادی، فقر روحی، فقر علم و آگاهی، فقر ایدئولوژیکی فقر فرهنگی و... اشاره‌ای داشت.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

همچنین فقر به معنی شکاف و بریدگی است و فقیر به کسی گویند که ستون فقراتش درد کند یا شکسته باشد. و به عبارتی دیگر فقر به معنی نیازمندی و فقیر به محتاج و نیازمند گویند. و فقیر در معنی اصطلاحی که در دائرةالمعارف‌ها آمده است عبارتست از: کسی که نتواند خود و خانواده‌اش را از نظر مالی تأمین کند و نیازمند مردم باشد.

کلمه « فقار» به معنی مُهره‌های پشت بدن چون بین آن‌ها شکاف و فاصله است، و فقیر به کسی گفته می‌شود که ستون فقرات پشتش به وسیله ذلت و بیچارگی شکسته است. فقیر در نزد عرب به معنی محتاج است. راغب در مفردات در معانی مختلف فقر می‌گوید: فقر به چهار وجه استعمال می‌شود:

الف) وجود حاجت و نیاز ضروری و این نیاز و حاجت در همه جهات برای انسان تا زمانی که در دنیا هست موجود می‌باشد و بلکه در همه موجودات این حاجت و نیاز هست و بر این معناست گفتار حق تعالی: یا ایهاالناس انتم الفقراء الی الله: ای مردم شما همه به خدا فقیر و محتاجید.

ب) نداشتن اندوخته‌های عادی و بر این معناست آن‌چه که ذکر شده است. در گفتار خداوند تبارک و تعالی: للفقراء الذین احصروا فی سبیل الله لایستطیعون ضرباً فی‌الارض: صدقات مخصوص فقیرانی است که در راه خدا ناتوان و بیچاره‌اند و توانایی آن‌که کاری پیش‌گیرند ندارند.

ج) فقر نفس و آن عبارت است از حرص و آزی که نفس دارد و این معنا مراد و منظور است در گفتار حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی‌الله علیه و آله وسلم که فرمود: کاد الفقر ان یکون کفراً: نزدیک است که فقر به کفر بیانجامد؛ که این در مقابل غنای نفس است.

د) فقر الی الله که بدان اشاره شده است در گفتار رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم: خدایا مرا به واسطه فقر به خودت غنی‌گردان و مرا به واسطه استغنای از خودت فقیر مگردان.

۴. بررسی و دسته‌بندی مصادیق فقر در نهج‌البلاغه

لازم به توضیح است که سید رضی اسناد و مدارک مجموعه خویش را درباره سخنان علی (ع) جز در ۱۲ مورد خاص، ذکر نکرده و چنان‌که در مقدمه کتاب آمده است هدف از تالیف نهج‌البلاغه، انتخاب گوهرهای بلاغت و ارائه گلچینی از قسمت‌های درخشان کلام علی (ع) بوده است نه استقصاء آن‌ها. بدین جهت در بسیاری از موارد از خطبه مفصلی که در کتب دیگر حدیثی موجود است، تنها قسمتی از صدر یا ذیل آن را آورده است که گاهی شارحان نهج‌البلاغه مانند ابن ابی‌الحدید در شرح قسمت‌های غیر مذکور در نهج‌البلاغه سید شریف‌رضی، آن‌ها را نیز بیان می‌کنند. بدین‌جهت، سخنان مولا بسی بیش از آن است که سید بزرگوار جمع‌آوری نموده و این مقاله مستند به همه سخنان علی (ع) نبوده و استناد آن، به نهج‌البلاغه معروف و موجود می‌باشد. به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

این ترتیب، کل جملاتی که شامل ۳ واژه فوق بوده، انتخاب و مشترکات لفظی و برخی موارد غیرمرتبط حذف و الباقی در ۸ مورد زیر دسته‌بندی گردید:

۱-۴. وحی (قرآن و انبیا) شرع و عقل، منبع استغنا برای بشر

درباره توضیحاتی که در خطبه ۱۷۶ درباره قرآن آمده، « غنای روحی»را برای مؤانسان با این کتاب برمی‌شمرد؛ که در این‌جا در برابر « فقر و بیچارگی» آمده که از «ثروت» بالاتر دانسته شده است: آگاه باشید این قرآن پنددهنده‌ای است که انسان را نمی‌فریبد، هدایت‌کننده‌ای که گمراه نمی‌سازد و سخن‌گویی است که هیچ‌گاه دروغ نمی‌گوید. هر کس با قرآن انس پیدا کند... فقر و بیچارگی ندارد و هیچکس پیش از آن غنا و بی‌نیازی نخواهد داشت(خطبه ۱۷۶)[۱].

شرافتی برتر از اسلام، عزتی عزیزتر از تقوا، بازدارنده‌تری بهتر از ورع، شفیعی با نفوذتر از توبه، گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت و هیچ‌چیزی برای نابودی فقر بهتر از رضا به مقدار حاجت نیست. آن کس که به مقدار نیاز اکتفا کند، به آسایش و راحتی دست یافته و وسعت و آرامش را به دست آورده است. دنیاپرستی کلید رنج و بلا و مرکب تعب و ناراحتی است و حرص، تکبر و حسد، فرو رفتن در گناهان است (حدیث ۳۷۱)[۲]. همچنین در حدیث و حکمت‌های زیر، به آن پرداخته شده است:

غنا و فقر آن‌گاه آشکار می‌شود که اعمال ما بر خدا عرضه شود (حدیث ۴۵۲)[۳].

به فرزندش امام حسن(ع) فرمود: پسرم! بزرگ‌ترین فقر بی‌خردی است (حکمت ۳۸)[۴].

هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون نادانی نیست (حکمت ۵۴)[۵].

۲-۴. قناعت توام با غنا و بی‌نیازی پیامبر و امام

در خطبه‌ای، پیامبران را با «عزم و اراده‌ای قوی» و «ظاهری فقیر» توصیف نموده، ولی توام با قناعتی که قلب‌ها و چشم‌ها را پر از «غنا و بی‌نیازی» می‌کرد:

موسی بن‌عمران (ع) با برادرش بر فرعون وارد شدند، در حالی که لباس‌های پشمین به تن داشتند و در دست هر کدام عصایی بود با او شرط کردند که اگر تسلیم فرمان پروردگار شود،

۱.واعلموا ان هذا القرآن هو الناصح الذی لا یغش، و الهادی الذی لا یضل و المحدث الذی لایکذب و ما جالس هذا القرآن ... انه لیس علی احد بعد القرآن من فاقه، و لا لاحد قبل القرآن من غنی.

۲. لا شرف اعلی من الاسلام و لا عز اعز من التقوی و لا معقل احسن من الورع و لا شفیع انجح من التوبه و لا کنز اغنی من القناعه ولا مال اذهب للفاقه من الرضی بالقوت و من اقتصر علی بلغه الکفاف فقد انتظم الراحه و تبوا خفض الدعه و الرغبه مفتاح النصب و مطیه التعب و الحرص و الکبر و الحسد دواع الی التقحم فی الذنوب .

۳. الغنی و الفقر بعد العرض علی الله.

۴. لِابْنِهِ الْحَسَنِ (ع) یَا بُنَیَّ أَکْبَرَ الْفَقْرِ الْحُمْقُ.

۵. لَا غِنَی کَالْعَقْلِ وَ لَا فَقْرَ کَالْجَهْلِ.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

حکومت و ملکش باقی بماند و عزت و قدرتش دوام یابد. اما او گفت: آیا از این دو تعجب نمی‌کنید؟ که با من شرط می‌گذارندکه بقاء ملک و دوام عزتم بسته به خواسته آن‌ها باشد، در حالی که فقر و بیچارگی از سر و وضعشان می‌بارد! چرا دستبندهایی از طلا به آن‌ها داده نشده است؟ این سخن را فرعون به خاطر بزرگ شمردن طلا و جمع‌آوری آن و تحقیر لباس پوشیدن آنان گفت. اگر خداوند می‌خواست به هنگام مبعوث ساختن پیامبرانش درهای گنج‌ها و معادن طلا و باغ‌های با طراوت را به روی آنان می‌گشود و... اگر این کار را می‌کرد، امتحان از میان می‌رفت و پاداش و جزاء بی اثر. و وعده‌های الهی بیهوده می‌شد و مؤمنان استحقاق ثواب نیکوکاران را نمی‌یافتند؛ اما خداوند پیامبران خویش را از نظر عزم و اراده قوی و ظاهری فقیر قرار داد، ولی توام با قناعتی که قلب‌ها و چشم‌ها را پر از بی‌نیازی می‌کرد. اگر پیامبران دارای آن‌چنان قدرتی بودند که کسی خیال مخالفت با آنان را نمی‌کرد و توانایی و عزتی داشتند که هرگز مغلوب نمی‌شدند و سلطنت و شوکتی دارا بودند که همه چشم‌ها به سوی آنان بود و از راه های دور بار سفر به سوی آنان بسته می‌شد، اعتبار و ارزش آن‌ها برای مردم کمتر و متکبران سر تعظیم در برابرشان فرود می‌آوردند و اظهار ایمان می‌نمودند. اما به خاطر ترسی که بر آن‌ها چیره می‌شد و یا به واسطه میل و علاقه‌ای که به مادیات آن‌ها داشتند و در این صورت در نیت‌ها خلوص یافت نمی‌شد و غیر از خداوند جنبه‌های دیگری نیز در اعمالشان شرکت داشت و با انگیزه‌های گوناگون به سراغ نیکی‌ها می‌رفتند. ولی خداوند اراده کرده که پیروی از پیامبرانش و تصدیق کتاب‌هایش و خضوع و فروتنی در برابر فرمانش و تسلیم محض در اطاعتش اموری ویژه و مختص او باشند و چیز دیگری با آن‌ها آمیخته نگردد (خطبه ۱۹۲)[1].

۱. و لقد دخل موسی بن عمران و معه اخوه هارون علیهما السلام علی فرعون و علیهما مدارع الصوف و بایدیهما العصی، فشرطا له ان سلم بقاء ملکه و دوام عزه، فقال: الا تعجبون من هذین یشرطان لی دوام العز و بقاء الملک و هما بما ترون من حال الفقر و الذل، فهلا القی علیهما اساوره من ذهب؟ اعظاما للذهب و جمعه واحتقارا للصوف و لبسه و لو اراداالله سبحانه لانبیائه حیث بعثهم ان یفتح لهم کنوز الذهبان و معادن العقیان و مغارس الجنان و ان یحشر معهم طیور السماء و وحوش الارضین لفعل و لو فعل لسقط البلاء و بطل الجزاء واضمحلت الانباء و لما وجب للقابلین اجور المبتلین ولا استحق المؤمنون ثواب المحسنین و لالزمت الاسماء معانیها ولکن الله سبحانه جعل رسله اولی قوه فی عزائمهم و ضعفه فیما تری الاعین من حالاتهم مع قناعه تملا القلوب و العیون غنی و خصاصه تملا الابصار والاسماع اذی و لو کانت الانبیاء اهل قوه لا ترام و عزه لا تضام و ملک تمد نحوه اعناق الرجال و تشد الیه عقد الرحال، لکان ذلک اهون علی الخلق فی الاعتبار و ابعد لهم فی الاستکبار ولامنوا عن رهبه قاهره لهم، او رغبه مائله بهم، فکانت النیات مشترکه والحسنات مقتسمه و لکن الله سبحانه اراد ان یکون الاتباع لرسله والتصدیق بکتبه والخشوع لوجه والاستکانه لامره والاستسلام لطاعته، امورا له خاصه، لا تشوبها من غیرها شائبه.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

در خطبه‌ای دیگر، به استفاده از مواهب زندگی به دیگران و سخت‌گرفتن بر خو- سفارش نموده است. امام(ع) در بصره به عیادت علاء[۱] رفت و چون چشمش به خانه وسیع او افتاد فرمود: این خانه با این وسعت را در این دنیا برای چه میخواهی؟ با این‌که در آخرت به آن نیازمندتری، آری مگر این‌که بخواهی به این وسیله به آخرت برسی یعنی مهمانی کنی، صله‌رحم نمائی و بدین‌وسیله به وظیفه‌ات عمل کرده که در این صورت با این خانه به آخرت نائل شده‌ای. علاء گفت: ای امیرمؤمنان از برادرم عاصم بن زیاد پیش تو شکایت می‌آورم، فرمود: مگر چه کرده؟ علاء پاسخ داد: عبایی پوشیده و از دنیا کناره گرفته است. امام(ع) فرمود: حاضرش کنید. هنگامی که آمد به او فرمود:ای دشمن جان خود شیطان در تو راه یافته و هدف تیر او قرار گرفته‌ای؛ آیا به خانواده و فرزندانت رحم نمی‌کنی؟ تو خیال می‌کنی خداوند دوست ندارد که از طیبات حلال استفاده کنی؟ عاصم گفت: ای امیرمؤمنان اما تو خود با این لباس خشن و آن غذای ناگوار به سر می‌بری، در حالی که پیشوا و امام ما هستی؟ و بر ما لازم است به تو اقتدا کنیم. فرمود: وای بر تو! من مثل تو نیستم. خداوند بر پیشوایان حق واجب شمرده که بر خود سخت گیرند و هم‌چون طبقه ضعیف مردم باشند (خطبه ۲۰۹)[۲].

۳-۴. تقدیر از فقر داوطلبانه و سپاسگزارانه و نهی از انباشت مال

در فرازهای دیگری از سخنان مولا، بهره‌جویی در حداقل رفع نیاز و فقری که از سوی ستمگران تحمیل نشده و به صورت اختیاری، عفیفانه و شکرگزارانه برگزیده شده باشد، توصیه و تقدیر شده است: هر کس ما اهل بیت پیامبر (ص) را دوست بدارد، پس باید فقر را چونان لباس روبین بپذیرد (حکمت ۱۱۲)[۳] پاکدامنی، زینت فقر و شکرگزاری زینت بی‌نیازی است (حکمت ۶۸)[۴].

ای مردم اموال دنیا چون گیاهان خشکیده وباخیز است! از چنین چراگاهی دوری گزینید که دل بریدن لذت بخش تر تا دل بستن و اعتماد بر آن است و استفاده از آن به مقدار لازم بهتر است

---

۱. علاء ابن زیاد حارثی که از یاران آن حضرت بود.

۲. ما کنت تصنع بسعه هذه الدار فی الدنیا و انت الیها فی الاخره کنت احوج و بلی ان شئت بلغت بها الآخره: تقری فیها الضیف و تصل فیها الرحم و تطلع منها الحقوق مطالعها، فاذا انت قد بلغت بها الاخره. فقال له العلاء: یا امیر المؤمنین، اشکو الیک اخی عاصم بن زیاد، قال: و ما له؟ قال: لبس العباءه و تخلی عن الدنیا، قال: علی به فلما جاء، قال: یا عدی نفسه لقد استهام بک الخبیث اما رحمت اهلک و ولد، اتری الله احل لک الطیبات، و هو یکره ان تاخذها انت اهون علی الله من ذلک، قال: یا امیر المؤمنین، هذا انت فی خشونه ملبسک و جشوبه ماکلک، قال: ویحک ، انی لست کانت ان الله تعالی فرض علی ائمه العدل ان یقدروا انفسهم بضعفه الناس کیلا یتبیغ بالفقیر فقره.

۳. مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَیْتِ فَلْیَسْتَعِدَّ لِلْفَقْرِ جِلْبَاباً و قد یؤول ذلک علی معنی آخر لیس هذا موضع ذکره.

۴. الْعَفَافُ زِینَةُ الْفَقْرِ وَ الشُّکْرُ زِینَةُ الْغِنَی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

از جمع و انباشتن آن. آن کس که فراوان از آن گرد آورد محکوم به فقر و نیازمندی گردد و هر کس از آن بی‌نیازی گزید، به آسایش و راحتیش کمک شده است. کسی که زیور و زینت‌های دنیا به چشمش شگفت‌انگیز آید، نابینایی قلب را به دنبال خواهد داشت و آن کس که عشق آن را برگزید، درونش پر از غم و اندوه شد و این اندوه‌ها همچنان در قلبش غلیان خواهد کرد؛ اندوه و حزن تا آن‌جا که نفس‌های آخر را بزند، به گوشه‌ای بیفتد و رگ‌های حیاتش قطع گردد؛ نابودیش در پیشگاه خداوند بی‌اهمیت و به قبر افکندنش بر دوستان آسان باشد. انسان مؤمن به دنیا با چشم عبرت می‌نگرد، از لذائذ آن به مقدار ضرورت بهره می‌گیرد و آهنگ دلربای آن را با گوش دشمنی می‌شنود. هرگاه گفته شود فلانی توانگر شد، می‌گوید: بی خیر و بی‌نوا گردید اگر از فکر بقاء خوشحال، از اندیشه فنا اندوهگین می‌شود؛ این حال دنیای آنان است! و هنوز روزی که در آن متحیر و سرگردان خواهند بود، فرا نرسیده است (حدیث ۳۶۷)[۱].

۴-۴. منع کمک از بیت‌المال بیش از حق فرد (حتی به نزدیکان فقیر)

آن حضرت همواره برای رفع حاجات نیازمندان پیشقدم بوده، اما در جایی که حقوق بیت‌المال در میان آمده، به هیچ‌وجه خارج از معیار عدالت، حتی برای نزدیک‌ترین خویشان خود، عمل نمی‌کرده‌اند:

به خدا سوگند! عقیل برادرم را دیدم که به شدت فقیر شده بود و از من می‌خواست که یک من از گندم شما را به او ببخشم. کودکانش را دیدم که از گرسنگی موهایشان ژولیده و رنگ‌شان بر اثر فقر دگرگون گشته؛ گویا صورت‌شان با نیل رنگ شده بود[۲]. عقیل باز هم اصرار و چند بار تکرار کرد، من به او گوش فرادادم، خیال کرد من دینم را می‌فروشم و به دلخواه او قدم برمی‌دارم و از راه و

---

۱. یا ایها الناس ، متاع الدنیا حطام موبیء، فتجنبوا مرعاه قلعتها اخظی من طمانیتها و بلغتها ازکی من ثروتهاحکم علی مکثر منها بالفاقه واعین من غنی عنها بالراحه من راقه زبرجها، اعقبت ناظریه کمها و من استشعرالشغف بها ملات ضمیره اشجانا، لهن رقص علی سویداء قلبه: هم یشغله و غم یحزنه، کذلک حتی یوخذ بکظمه فیلقی بالقضاء، منقطعا ابهراه، هینا علی الله فناؤه، وعلی الاخوان القاؤه و انما ینظرالمؤمن الی الدنیا بعین الاعتبار و یقتات منها ببطن الاضطرار و یسمع فیها باذن المقت و الابغاض، ان قیل اثری قیل اکدی و ان فرح له بالبقاء، حزن له بالفناء هذا و لم یاتهم.

۲. علی (ع) وقتی درخواست را شنید، به او پیشنهاد داد از مال خویش چنین کمکی را به وی بکند؛ اما عقیل می خواست که از بیت المال سریعاً اقدام شود (ر. ک.: بحار مجلسی، بحارالانوار، ج. ۹، ص. ۶۱۳). نمونه های دیگری نیز در این باره نقل شده است که برخی از نزدیکان به دلیل حاکم شدن ایشان مراجعه می کردند که همگی پاسخ رد می شنیدند: اسامه بن زید، پیغام داد: «عطای مرا بفرست، می دانی که اگر در دهان شیر بروی، همراه شما هستم». ایشان پاسخ نوشت: «انّ هذا المال لمن جاهد علیه، و لکن لی مالاً بالمدینهٔ فأصب منه ما شئت (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج. ۴، ص. ۱۰۲) این مال برای کسی است که در جهاد شرکت کرده باشد؛ ولی در مدینه مالی دارم، هرچه بخواهی از آن پرداخت می کنم. امام صادق (ع) می فرماید: یکی از دوستان علی (ع) از ایشان مالی درخواست نمود، ایشان فرمود: «یخرج عطائی فأقاسِمُک هُو؛ آنگاه که حقوق من رسید، از آن به تو می دهم»؛ ولی آن شخص به آن مقدار قانع نشد و به معاویه پیوست.(المحمودی، نهج السّعاده ...، ج. ۴، صص. ۴۷-۱۴۶ ۱۴۷).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

رسم خویش دست می‌کشم اما من برای بیداری و هشداری او آهنی را در آتش گداختم، سپس آن را به بدنش نزدیک ساختم تا با حرارت آن عبرت گیرد، ناله‌ای همچون بیمارانی که از شدت درد می‌نالند، سر داد و چیزی نمانده بود که از حرارت آن بسوزد به او گفتم: هان ای عقیل! زنان سوگمند در سوگ تو بگریند، از آهن تفتیده که به صورت بازیچه‌ای سرخ شده، ناله می‌کنی اما مرا به سوی آتشی می‌کشانی که خداوند جبار با شعله خشم و غضب آن را برافروخته است، تو از این رنج می‌نالی و من از آتش سوزان نالان نشوم (خطبه ۲۲۴)[۱]؟

۵-۴. در مذمت فقر و التجا به دیگران

علی(ع) از فقر بسیار گریزان بود و همواره در تلاش برای کسب روزی حلال و استفاده حداقلی از آن و بذل و بخشش به بینوایان ناتوان:

پروردگارا آبرویم را با بی‌نیازی نگهدار و شخصیتم را در اثر فقر ساقط مگردان که از روزی خواران تو درخواست روزی کنم و از اشخاص پست خواستار عطوفت و بخشش باشم. به ستودن آن کس که کمکم می‌کند، مبتلا گردم و به مذمت و بدگویی از آن‌که به من نمی‌بخشد آزمایش شوم و تو ورای این‌ها سرپرست منی که ببخشی و یا منع نمایی و تو بر همه چیز قادری (خطبه ۲۲۵)[۲].

تهیدستی مرد زیرک را در برهان کُند می‌سازد و انسان تهیدست در شهر خویش نیز بیگانه است (حکمت ۳)[۳].

ثروتمندی در غربت، چون در وطن بودن و تهیدستی در وطن، غربت است (حکمت ۵۶)[۴].

به پسرش محمد حنفیه سفارش فرمود: ای فرزند! من از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر که همانا فقر، دین انسان را ناقص، عقل را سرگردان و عامل دشمنی است (حکمت ۳۱۹)[۵].

---

۱. والله لقد رایت عقیلا و قد املق حتی استماحنی من برکم صاعا و رایت صبیانه شعث الشعور، غبر الالوان فقرهم، کانما سودت وجوههم بالعظلم و عاودنی مؤکدا و کرر علی العقول مرددا فاصغیت الیه سمعی، فظن انی ابیعه دینی، و اتبع قیاده مفارقا طریقتی، فاحمیت له حدیده، ثم ادنیتها من جسمه لیعتبربها، فضج ضجیج ذی دنف من المها و کاد ان یحترق من میسمها، فقلت له: ثکلتک الثواکل، یا عقیل اتئن من حدیده احماها انسانها للعبه و تجرنی الی نار سجرها جبارها لغضبه اتئن من الاذی و لا ائن من لظی.

۲. یلتجیء الی الله ان یغنیه، اللهم صن وجهی بالیسار و لا تبذل جاهی بالاقتار، فاسترزق طالبی رزقک و استعطف شرار خلقک و ابتلی بحمد من اعطانی وافتتن بذم من منعنی و انت من وراء ذلک کله و لی الاعطاء والمنع، انک علی کل شیء قدیر.

۳. الْفَقْرُ یُخْرِسُ الْفَطِنَ عَنْ حُجَّتِهِ وَ الْمُقِلُّ غَرِیبٌ فِی بَلْدَتِهِ.

۴. الْغِنَی فِی الْغُرْبَةِ وَطَنٌ وَ الْفَقْرُ فِی الْوَطَنِ غُرْبَةٌ.

۵. لِابْنِهِ مُحَمَّدِ ابْنِ الْحَنَفِیَّه: یَا بُنَیَّ إِنِّی أَخَافُ عَلَیْکَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّینِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِیَةٌ لِلْمَقْتِ.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

آگاه باشید فقر یکی از بلاها است و بدتر از آن... بیماری بدن است و از آن بدتر بیماری قلب است. بدانید که تقوای قلب دلیل صحت بدن خواهد بود (حدیث ۳۸۸)[۱].و نهایتاً این‌که فرمود: فقر مرگ بزرگ است (حکمت ۱۶۳)[۲]!

۶-۴. دلایل فقر و ثروت و بقای آن و بی‌اعتباری مال دنیا

حضرت در دلایل فقر، به امساک و بخل اغنیا توجه داشته‌اند که نارسیدگی به فقرا و دوری آنان از دین را به دنبال دارد. برخی دلایل دیگر در نهج‌البلاغه ذکر شده و نهایتاً بر مواهب الهی تأکید شده که خداوند می‌بخشد:

همانا خدای سبحان روزی فقراء را در اموال اغنیا قرار داده است، پس فقیری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران و خداوند از آنان دربارهٔ گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید (حکمت ۳۲۸)[۳].

خدای شما را رحمت کند بدانید در زمانی قرار گرفته‌اید که گوینده حق کم است... و نه ثروتمندان زندگی مستمندان را تکفل می‌نمایند (ر.ک: خطبه ۲۳۳)[۴]. بخل ننگ و ترس نقصان است (حکمت ۳)[۵].

در شگفتم از بخیل که به سوی فقری می‌شتابد که از آن می‌گریزد و سرمایه‌ای را از دست می‌دهد که برای آن تلاش می‌کند؛ در دنیا چون تهیدستان زندگی می‌کند، اما در آخرت چون اغنیا محاکمه می‌شود (حکمت ۱۲۶)[۶].

امام (ع) به جابربن عبدالله انصاری فرمود: ای‌جابر ارکان دین و دنیا:... سخاوتمندی که در کار نیک بخل نورزد (زیرا) زمانی که بی‌نیازان از نیکی بخل ورزند، نیازمندان آخرت را به دنیا می‌فروشند(حدیث۳۷۲)[۷] مردم در دنیا دو دسته‌اند: یک دسته برای کسانی که در دنیا برای دنیا کار

---

۱. الا و ان من البلاء الفاقه، و اشد من الفاقه مرض البدن، و اشد من مرض البدن مرض القلب الا و ان من صحه البدن تقوی القلب.

۲. الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ.

۳. إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِی أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتِّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَ اللَّهُ تَعَالَى سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ .

۴. فرمود: وای بر تو من مثل تو نیستم خداوند بر پیشوایان حق واجب شمرده که بر خود سخت گیرند و همچون طبقه ضعیف مردم باشند تا نداری فقیر او را هیجان نیاورد که سر از فرمان خداوند برتابد (خطبه شماره ۲۰۹) واعلموا رحمکم الله انکم فی زمان القائل فیه بالحق قلیل، [۷] و اللسان عن الصدق کلیل، و اللازم للحق ذلیل اهله معتکفون علی العصیان، [۸] مصطلحون علی الادهان، فتاهم عارم، و شائبهم آثم، [۹] و عالمهم منافق، و قارئهم مماذق لا یعظم صغیرهم کبیرهم، و لا یعول غنیهم فقیرهم.

۵. الْبُخْلُ عَارٌ وَ الْجُبْنُ مَنْقَصَةٌ.

۶. عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِی مِنْهُ هَرَبَ وَ يَفُوتُهُ الْغِنَى الَّذِی إِيَّاهُ طَلَبَ فَيَعِيشُ فِی الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَ يُحَاسَبُ فِی الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ.

۷. وقال (ع) لجابر بن عبدالله الانصاری: یا جابر، قوام الدین و الدنیا: ... وجواد لا یبخل بمعروفه. و اذا بخل الغنی بمعروفه باع الفقیر آخرته بدنیاه.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

کار کرد، و دنیا او را از آخرتش باز داشت، بر بازماندگان خویش از تهیدستی هراسان و از تهیدستی خویش در امان است، پس زندگانی خود را در راه سود دیگران از دست می‌دهد و دیگری آن که در دنیا برای آخرت کار می‌کند و نعمت‌های دنیا نیز بدون تلاش به او روی می‌آورد، پس بهرهٔ هر دو جهان را چشیده، و مالک هر دو جهان می‌گردد، و با آبرومندی در پیشگاه خدا صبح می‌کند، و حاجتی را از خدا در خواست نمی‌کند، جز آن که روا می‌گردد (حکمت ۲۶۹)[۱].

ای‌جابر کسی که نعمت فراوان خداوند به او روی آورد نیاز مردم به او بسیار خواهد بود. در این حال آن کس که وظیفه خود را در برابر این نعمت‌های خداداد انجام دهد، به دوام و بقاء نعمت خویش کمک کرده و آن کس که چنین نکند، آن‌ها را در معرض زوال قرار داده است (حدیث۳۷۲)[۲].

اما ویرانی زمین تنها به این علت است که کشاورزان و صاحبان زمین فقیر می‌شوند و بیچارگی و فقر آن‌ها به دلیل آن است که زمامداران به جمع اموال می‌پردازند و نسبت به بقای حکومت شان بدگمانند و از تاریخ زمامداران گذشته عبرت نمی‌گیرند(نامه ۵۳)[۳].

پرداخت زکات موجب صرف ثمرات زمین و غیرآن‌ها به نیازمندان و مستمندان می‌شود (خطبه ۱۹۲)[۴].

شایسته نیست که انسان به دو خصلت اطمینان پیدا کند، سلامت و ثروت چرا که دیده شده انسان تندرست ناگاه بیمار و شخص ثروتمند یکباره فقیر و مستمند شده است (حدیث ۴۲۶)[۵].

مواهب الهی همچون قطره‌های باران از آسمان به زمین می‌بارد و به هر کس سهمی زیاد یا کم می رسد... ثروت و فرزندان کشته‌های این جهانند و عمل صالح و نیک زراعت آخرت است و گاهی خداوند این هر دو را به افرادی می‌بخشد(خطبه ۲۳)[۶].

---

۱. النَّاسُ فِی الدُّنْیَا عَامِلَانِ عَامِلٌ عَمِلَ فِی الدُّنْیَا لِلدُّنْیَا قَدْ شَغَلَتْهُ دُنْیَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ یَخْشَی عَلَی مَنْ یَخْلُفُهُ الْفَقْرَ وَ یَأْمَنُهُ عَلَی نَفْسِهِ فَیُفْنِی عُمُرَهُ فِی مَنْفَعَةِ غَیْرِهِ وَ عَامِلٌ عَمِلَ فِی الدُّنْیَا لِمَا بَعْدَهَا فَجَاءَهُ الَّذِی لَهُ مِنَ الدُّنْیَا بِغَیْرِ عَمَلٍ فَأَحْرَزَ الْحَظَّیْنِ مَعاً وَ مَلَکَ الدَّارَیْنِ جَمِیعاً فَأَصْبَحَ وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ لَا یَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَةً فَیَمْنَعَهُ.

۲. یا جابر ، من کثرت نعم الله علیه کثرت حوائج الناس الیه، فمن قام الله فیها بما یجب فیها عرضها للدوام و البقاء و من لم یقم فیها بما یجب عرضها للزوال و القناء.

۳. فان العمر ان محتمل ما حملته و انما یؤتی خراب الارض من اعواز اهلها و انما یعوز اهلها لاشراف انفس الولاه علی الجمع و سوء ظنهم بالبقاء و قله انتفاعهم بالعبر.

۴. ما فی الزکاه من صرف ثمرات الارض و غیر ذلک الی اهل المسکنه والفقر.

۵. لا ینبغی للعبد ان یثق بخصلتین : العافیه و الغنی بینا تراه معافی اذ سقم ، و بینا تراه غنیا اذ افتقر.

۶. فان الامر ینزل من السماء الی الارض کقطرات المطر، الی کل نفس بما قسم لها من زیاده او نقصان ... و ان المال و البنین حرث الدنیا ، و العمل الصالح حرث الاخره، و قد یجمعها الله تعالی لاقوام.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۷-۵. تحذیر و توصیه به قدرتمندان و ثروتمندان در رعایت فقیران

ایشان انذارهایی برای ثروتمندان و نیز توصیه به قدرتمندان و ثروتمندان در رعایت فقیران به توضیح ذیل دارند: کسی که خداوند به او ثروتی بخشیده باید پیوند خویشاوندی را برقرار سازد و از میهمانان به خوبی پذیرایی کند، اسیران را آزاد سازد و به فقراء و بدهکاران کمک دهد و باید به خاطر رسیدن پاداش الهی در برابر پرداخت حقوق متعلق به ثروتش و مشکلاتی که در این راه به او می‌رسد، شکیبایی بورزد؛ چه این‌که به دست آوردن این خصال نیک موجب شرافت و بزرگی در دنیا و درک فضائل سرای دیگر خواهد شد؛ انشاءالله (خطبه ۱۴۲)[۱]. بدا به حال آن‌که در پیشگاه خداوند، فقرا و مساکین و سائلان و آن‌ها که از حقشان محروم مانده‌اند و بدهکاران و ورشکستگان و در راه ماندگان، خصم و شاکی او باشند (نامه ۲۶)[۲].

در نامه به «قثم بن‌العباس»، حاکم مکه از سوی علی (ع): اموالی که در نزد تو گرد آمده و مربوط به خدا است به دقت در مصرف آن‌ها بنگر و آن را به مصرف عیالمندان و گرسنگان کسانی که در محل هستند، برسان... آن‌چنان که به طور صحیح به دست فقرا و نیازمندان برسد (نامه۶۷)[۳].چه خوب است تواضع و فروتنی ثروتمندان در برابر فقرا برای رسیدن به پاداش الهی (حدیث ۴۰۶)[۴]

هنگامی که یکی از شما برای برادر خود برتری در مال و همسر و فرزند ببیند، نباید موجب فتنه گردد. همچنین مسلمانی که از خیانت به دور باشد، انتظار دارد یکی از دو خوبی نصیبش گردد: یا عمر او پایان یافته و دعوت‌الهی فرارسد و آن‌چه خداوند در آخرت برایش مهیا کرده بهتر است و یا خداوند او را روزی دهد و صاحب همسر و فرزند و ثروت گردد، در عین این‌که دین و شخصیت خود را نگاهداشته است... و از آن‌چه خداوند نهی کرده است، برحذر باشد (خطبه ۲۳)[۵].

---

۱. فمن آتاه الله مالا فلیصل به القرابه، و لیحسن منه الضیافه، و لیفک به الاسیر و العانی ، ولیعط منه الفقیر و الغارم، و لیصبر نفسه علی الحقوق و النوائب، ابتغاء الثواب، فان فوزا بهذه الخصال شرف مکارم الدنیا، و درک فضائل الاخره، ان شاء الله.

۲. و بؤسی لمن خصمه عند الله الفقراء والمساکین و السائلون والمدفوعون والغارمون و ابن السبیل.

۳. و انظر الی ما اجتمع عندک من مال الله فاصرفه الی من قبلک، من ذوی العیال و المجاعه ، مصیبا به مواضع الفاقه و الخلات.

۴. ما احسن تواضع الاغنیاء للفقراء طلبا عند الله.

۵. فان رای احدکم لاخیه غفیره فی اهل او مال او نفس فلا تکونن له فتنه ... وکذلک المرء المسلم البریء من الخیانه ینتظر من الله احدی الحسنیین: اما داعی الله فما عندالله خیرله و اما رزق الله فاذا هو ذو اهل و مال و معه ذینه و حسبه ... فاحذروا من الله ما حذرکم من نفسه.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۸-۵. انذار و توصیه به فقیران

با توجه به این‌که فقیران، نه ثروت و مکنت و نه قدرتی دارند، درباره آنان بـه کوتـاهی سـخن رفتـه است که در پی می‌آید:کسی از هلاکت نمی‌گریزد؛ نه عالم و دانشمند به خاطر علمش و نه فقیـر بـه دلیل فقرش (ر.ک: خطبه ۱۹۲)[۱]. و چه بهتر بی‌اعتنایی و تکبر مستمندان در برابر اغنیـا بـه خـاطر توکل به خدا باشد (حدیث ۴۰۶)[۲].ای جابر[۳] ارکان دین و دنیا:... نیازمندی کـه آخـرتش را بـه دنیـا نفروشد(حدیث ۳۷۲)[۴].

نتیجه‌گیری

به والیان و حاکمان[۵]

بیشترین مخاطب خطبه‌ها و نامه‌ها، حدیث‌ها و نوشته‌های آن امام در رسیدگی به نیازمندان، والیان و حاکمان بوده‌اند و تذکارهایی به فقیران و بیشتر به ثروتمندان داشته‌اند:

اقشار پایین نیازمندان، یتیمان، سالخوردگان و از کارافتادگان‌اند که باید به آن‌ها مساعدت نمـود و برای هرکدام به خاطر خدا سهمی مقرر داشت و نیز هر یک از نیازمندان به مقدار اصلاح کارشـان بر والی حق دارند و هرگز والی از ادای آن‌چه خداوند او را ملزم به آن سـاخته، خـارج نخواهـد شـد. برخی از آن‌ها که آبروداری کرده و نیازشان را ابراز نمی‌دارند، اولی هستند و باید به آن‌ها به گونـه‌ای گوارا، بی‌منت و تحقیر بخشش شود. قسمتی از بیت‌المال و تولیدات (ارزاق) دولتی می‌باید به آن‌هـا اختصاص یابد؛ البته این کار بر زمامداران سنگین است ولی حق آنان به هر قیمت می‌باید ادا گردد.

رسیدگی به مناطق دورافتاده (محروم) که عموم مردم با آن سر و کاری ندارند و جرئت رفتن به آن سامان را نمی‌کنند، اکیداً لازم است. آن‌ها که از مرکز دورند، به مقدار کسانی که نزدیکند، سـهم دارند و باید حق همه آن‌ها مراعات گردد و هرگز به خاطر کارهای فراوان و مهمی که حکومت انجام می دهد، از انجام نشدن کارهای کوچک معذور نیست. حاکمیت نباید دل از آن‌ها برگیـرد و چهـره

---

۱. لا تشوی احدا، لا عالما لعلمه ، و لا مقلا فی طمره.

۲. و احسن منه تیه الفقراء علی الاغنیاء اتکالا علی الله.

۳. جابربن عبدالله انصاری

۴. و قال (ع) لجابر بن عبدالله الانصاری: یا جابر، قوام الدین و الدنیا باربعه: باع الفقیر آخرته بدنیاه.

۵. در این قسمت، علاوه بر پیشنهاداتی که از مقاله برگرفته شده، بویژه از نامه ۵۳ به مالک اشتر بهـره‌گیـری شـده است. این نامه که فرمان گونه و از طولانی‌ترین و جامع‌ترین نامه‌های امام علی است، برای مالک اشترنخعی نگاشـته شده که به منزله حکم فرمانداری مصر محسوب می‌شود، در زمانی که وضع محمدبن ابوبکر زمامدار مصـر متزلـزل گشته بود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

درهم کشد. در امور آن‌ها که به والی دسترسی ندارند و مردم به دیده تحقیر به آن‌ها می‌نگرند، می‌باید افراد مورد اطمینانی را که خدا ترس و متواضع باشند، تعیین تا وضع آنان را به حکومت گزارش دهند؛ چرا که بویژه گروه‌های رانده و تحقیر شده، بیش از دیگران به احقاق حق محتاج‌ترند.

والیان برای مراجعان وقتی مقرر کنند که ورود به آن برای هیچکس ممنوع نباشد و محافظان از این مجلس دور باشند تا هر کس با صراحت و بدون ترس و لکنت، سخنان خود را بگوید و به نیاز آن‌ها شخصاً و با تواضع رسیدگی شود. این توصیه مکرر رسول خدا (ص) است: ملتی که حق ضعیفان را از زورمندان با صراحت نگیرد، هرگز پاک و پاکیزه نمی‌شود و روی سعادت نمی‌بیند. و حتی خشونت و تندی آن‌ها در سخن باید تحمل گردد و در مورد آنان هیچ‌گونه محدودیت و استکبار روا داشته نشود که خداوند به واسطه آن، رحمت واسعه خود را گسترش خواهد داد و موجب ثواب خواهد شد.

زمانی که زمامداران به جمع اموال بپردازند، بیچارگی و فقر گریبان زارعان را می‌گیرد و فقر آن‌ها، ویرانی زمین را به دنبال خواهد داشت و نسبت به بقای حکومت بدگمانی ایجاد می شود و می‌باید از زمامداران گذشته عبرت گرفت.

فرماندهی سپاه به کسی سپرده شود که... نسبت به ضعفا رئوف و مهربان و در مقابل زورمندان قوی و پرقدرت باشد و حقارت و کوچکی کسی نباید موجب گردد که خدمت پرارجش کوچک به حساب آورده شود.

مبارزه جدی با احتکار مواد مورد نیاز مردم از ضرورت‌ها قلمداد می‌شود که احتکار موجب زیان توده مردم و عیب و ننگ بر زمامداران است.

اگر سنگینی مالیات و یا دررسیدن آفات و یا کمی باران و خشکسالی و یا سیل و از بین رفتن محصولات، زارعان و تولیدکنندگان را تهیدست کند، می‌باید تخفیف در مالیات به مقدار لازم، اعمال گردد و هرگز این تخفیف بر حاکمان گران نیاید زیرا که ذخیره‌ای است که بالاخره در عمران به کار می‌رود و موجب زینت حکومت خواهد بود.

باید کوشش حکومت در آبادی زمین بیش از جمع‌آوری مالیات باشد؛ زیرا که خراج جز با آبادانی به دست نمی‌آید. و آن کس که بخواهد مالیات را بدون آبادانی مطالبه کند، شهرها را ویران و بندگان خدا را نابود می‌سازد و حکومتش بیش از مدت کمی دوام نخواهد داشت.

خراج و مالیات می‌باید دقیقاً زیر نظر مسئولان طراز اول و والیان و استانداران قرار داشته باشد؛ به گونه‌ای که به صلاح و بهبودی حال مالیات‌دهندگان توجه اکید داشته باشند که بهبودی حال همگان را در پی‌دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

توصیه به ثروتمندان و فقیران

ثروتمندان در برابر فقرا تواضع و فروتنی پیشه کنند و از آن‌جا که خداوند به آنـان نعمـت بخشـیده، می‌باید اسیران را آزاد سازند و به فقراء و بدهکاران کمک کنند و در دهش شکیبا باشد. اغنیا بـویژه نباید بخل بورزند و نیز در پرداخت زکات پیش‌قدم باشند.

بهتر است بی‌اعتنائی و تکبر مستمندان در برابر اغنیا به خاطر توکل به خـدا باشـد و نیازمنـدان نباید که برای کسب مال، آخرت‌شان را به دنیا بفروشند.

در این مقاله ابتدا به اهمیت و ضـرورت بررسـی فقـر از دیـدگاه امیرالمـومنین در نهـج‌البلاغـه پرداخته شد. با توجه به سخنان حضرت، و مذمت فقر در افکار عمومی، راهکارهایی برای مبـارزه بـا فقر بیان شد. راهکارها برای سه دسته اغنیا، فقرا و دولت اسلامی بیان شده‌اند. با توجـه مواجهـه بـا فقر در کشور ایران، مطالعه این راهکارها می‌تواند برای مبارزه با فقر در کشور مورد توجه و اسـتفاده قرار گیرد. با توجه به بیاناتی که از حضرت در این مقاله بررسی شـد، بنظـر مـی‌رسـد تمـامی افـراد جامعه موظف به مبارزه با فقر هستند اما در حکومت اسلامی نقـش دولـت و حاکمـان مـورد تاکیـد بیشتری است. مبارزه با فقر از این رو برای دولت‌ها مورد تاکید بیشتری قرار گرفته است کـه تـامین امنیت آحاد جامعه نیز بر عهده حکام می‌باشد، با کاهش فقر در واقع دولت‌ها علاوه بر افـزایش رفـاه در جامعه به وسیله کاهش فقر و افزایش رضایت خاطر افراد جامعه از حکومت، افـزایش رفـاهی نیـز در اثر کاهش جرم و جنایت و فساد در کشورهای خود به وجود می‌آورند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌ابی‌الحدید؛ شرح نهج‌البلاغه؛ ج ۴، به کوشش محمد أبوالفضل إبراهیم: http://www.balaghah.net

۲. ائری، سیدمحسن (۱۳۷۸)، اندیشه‌های اقتصادی در نهج‌البلاغه؛ ترجمه عبدالعلی آل‌بویه لنگرودی؛ تهران: انتشارات بنیاد نهج‌البلاغه.

۳. بیگله، صغری؛ مرادی، تکتم و همکاران، فقر از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه، نمایه شده در سایت معارف قرآن.

۴. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۱)، تفسیر موضوعی نهج‌البلاغه: دفتر نشر معارف.

۵. راغب‌اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۴۱۲ه.ق)، مفردات الفاظ القرآن؛ تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالشامیه.

۶. ریشه‌ها و علل فقر و محرومیت در جامعه از منظر حضرت علی علیه‌السّلام، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷.

۷. شریعتی مهر، بینه؛ فقر در نهج‌البلاغه، یاران امین، شماره ۸۲، مرداد ۱۳۹۱، صص۷-۹.

۸. صادقی تهرانی، محمد؛ فقر از دیدگاه تفکر اسلامی، دوماهنامه جهاد، شماره ۱۹۲ و ۱۹۳، آذر و دی ۱۳۷۵، صص ۳-۵ و ۴۴.

۹. عسگری، محمدمهدی؛ غفورزاده، حسین؛ بررسی مفهوم فقر از منظر قرآن و روایات ائمه‌اطهار (ع)، مطالعات قرآن و حدیث، سال سوم، شمارهٔ اول پاییز و زمستان ۱۳۸۸، پیاپی ۵ ، صص۸۹-۱.

۱۰. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی (۱۳۷۹)، ترجمه و شرح نهج البلاغه؛ تهران: موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض‌الاسلام.

۱۱. کدخدایی الیادرانی، زهره و همکاران؛ بررسی پیامدهای فقر در سلامت روح و روان افراد از دیدگاه امام علی (ع)، پژوهشنامه حکمت اهل بیت (علیهم السلام)، سال اول، شماره ۱، زمستان۱۳۹۲، ص۶۲-۴۷.

۱۲. مجلسی، محمد باقر بن‌محمد تقی، بحار الانوار، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۰-۱۳۵۴.

۱۳. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ جلد۹، ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان: http://www.ghnews.ir

۱۴. المحمودی، محمد باقر؛ نهج السّعاده فی مستدرک نهج‌البلاغه، ج ۴، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت، متن الکترونیکی: http://lib.ahlolbait.com/parvan/resource/38556

۱۵. معلوف، لوییس (۱۳۷۴)، المنجد؛ ترجمه مصطفی رحیمی اردستانی؛ تهران: انتشارات صبا.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۱۶. منتهایی، احمد؛ فقر از دیدگاه امام علی (ع)، سالنامه پیام اسلام، سال هشتم، شماره ۶، آذر ۱۳۵۸، صص۲۳۶-۲۶۰.
۱۷. موسایی، میثم؛ اصول کلی حاکم بر تولید از دیدگاه امام علی (ع)، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۳، صص۹۷-۱۲۴.
۱۸. موسایی، میثم (۱۳۸۰)، مبانی و جهت‌گیری کلی اقتصادی در نهج‌البلاغه: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]